بسم‌الله الرحمن الرحیم

[حکم عقل در دلیل انسداد 2](#_Toc433660719)

[مناقشه سوم 2](#_Toc433660720)

[پاسخ از مناقشه فوق 2](#_Toc433660721)

[وجه اول 2](#_Toc433660722)

[وجه دوم 3](#_Toc433660723)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc433660724)

[تحقیق در مسأله 3](#_Toc433660725)

[تشریح مسأله 3](#_Toc433660726)

[جمع‌بندی 4](#_Toc433660727)

[تبصره بحث 4](#_Toc433660728)

[تشریح حکم عامی متوسط 4](#_Toc433660729)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc433660730)

[حکم قسم سوم از عامی 5](#_Toc433660731)

# حکم عقل در دلیل انسداد

# مناقشه سوم

دلیل انسداد در اینجا حکم عقل بود اما از آن احکام عقلی با توضیح دیروز که نباید با ردعی از شارع مواجه شود. فرد در اینجا وقتی با علم اجمالی مواجه می‌شود عقل او حکم به فراغت ذمه می‌نماید که یکی از آن راه‌ها تقلید و رجوع به کارشناس در مسأله است. اما آنچه مهم است، این بوده که کشف عدم ردع از عهده شارع درنخواهد آمد.

پس دلیل انسداد از این حیث نمی‌تواند عامی را به سمت تقلید ببرد، نه از حیثی که در جلسات گذشته بیان شد.

# پاسخ از مناقشه فوق

ممکن است کسی از این مناقشه با یکی از این وجوه پاسخ دهد که؛

# وجه اول

ما اصل لزوم عدم ردع را در اینجا قبول داریم و مکان ردع آن از جانب شارع را می‌پذیریم، اما باید توجه داشت که این ردع باید به نحو جلی‌ای باشد.

همچنان که آن شاء الله در سیره نیز خواهیم رسید که در سیره‌هایی که جوانب مختلف زندگی بشر را دربر گرفته است، باید در قبال آن‌ها رادع قوی‌ای وجود داشته باشد.

لذا وجود رادع ضعیف در اینجا کفایت نمی‌کند و بدان حد نمی‌توان بسنده نمود. و این امر بسیار در ارتکاز جاافتاده است که فرد نزد تحیر و عدم علم به تکلیف باید به اقرب ظنون که تقلید است باید رجوع نماید و به‌صرف احتمال ردع نمی‌توان از آن دست کشید.

# وجه دوم

جواب دومی که در اینجا گفته‌شده است که دفع احتمال رادع نیاز به تقلید نداشته و می‌توان بر اساس تحقیقی مختصر و اقوال علماء آن را دفع نمود. لذا برای اطمینان در این جهت صرف رجوع به اقوال کفایت می‌کند. درواقع عدم راجع در اینجا امر روشنی بوده و باملاحظه‌ای قابل احراز است.

این پاسخ‌هایی بود که در قبال مناقشه سوم مطرح شد.

# اتخاذ مبنا

اما این شبهه هنوز برجستگی دارد که احتیاط حداکثری میسر نیست و مستبعد خواهد بود و نفی آن به بسیاری از اذهان خطور می‌کند. احتیاط میانه و در غیران تقلید است، ممکن است کسی در اینجا بگوید که حکم عقل در اینجا به تقلید نیست بلکه او به احتیاط میانه حکم می‌کند، لذا قطعیتی در حکم عقل در اینجا دیده نمی‌شود و این شبهه همچنان باقوتی باقی خواهد ماند.

## تحقیق در مسأله

اما به نظر می‌رسد حکم عقل در قبال عامی غیر لاابالی، این است که نیاز به تحقیق است. لذا حکم در این حالت انسداد نوعی تحقیق است چراکه فرد علمی به تکالیف دارد و راه برای این تحقیق اولیه برای او وجود دارد.

## تشریح مسأله

در حالت احتمال می‌توان گفت که عقل می‌تواند به احتیاطی کلی حکم کند که معقول نیست. اما حکم دوم آن بررسی و یافتن راه امتثال و اطاعت است که فرد را پیرابند خواند تا نظر کارشناسان را مطالعه کند که این غیر از تقلید است.

بنابراین در قبال عامی محض عقل حکمی فراتر از این ندارد.

## جمع‌بندی

لذا اگر این حالت به تقلید نامیده می‌شود، باید تببین شود که این حالت غیر از تقلید معروف است. بنابراین این‌یک مرحله است که به عامی محض برمی‌گردد که چیزی از دین را به آن صورت نمی‌داند. و مسأله اول عروة به نظر ما باید این مسأله قرار گیرد که حکم در قبال عامی محض چیست؟

## تبصره بحث

این تبصره در اینجا وجود دارد که زمان عمل رسیده است و امری در ذهن او نیز به وجود آمده است، در این حالت تقلید دائره واسعی دارد، اما بحث در این است که بی‌نهایت عمل بر ذمه او قرارگرفته است.

در حالت اول وظیفه او غالباً مشخص است. اما در فضای غبارآلود مطلق به نظر می‌رسد اولین فرمان عقل، آغاز کردن تحقیق است که همان‌طور که اشاره شد معنیان تقلید به معنی خاص نبود.

## تشریح حکم عامی متوسط

اما مرحله دوم نسبت به عامی متوسط بود که فرد دارای آگاهی‌هایی است، در این حال اگر قطعی پیدا کرد بر عهده خود او خواهد بود.

در غیر این صورت این فرد می‌داند که نمی‌تواند احتیاط مطلق را انجام دهد، اذا امر او دائر بین احتیاط میانه و تقلید است. در این وهله عقل او حکم خواهد کرد که او مخیر است.

## اتخاذ مبنا

ولو اینکه در اینجا احتیاط میانه از برجستگی بیشتری برخوردار است، اما باز در همین نوع از احتیاط نیز اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که نمی‌شود به همین سهولتان را اخذ نمود. چراکه در این زمینه نیز برخی امثال قصد انشاء و مانند آن را شرط دانسته‌اند. اگر ترجیحی نیز در اینجا باشد به آن میزان نیست که عقل حکم الزامی بر او داشته باشد.

این نیز گام دوم است که موردبررسی قرار گرفت. در اینجا فرد حتی اگر بتواند مجتهد شود حکم تخییر پابرجاست، چراکه این احتمال که شارع نمی‌خواهد همه افراد مجتهد شوند، امری موردپذیرش است.

بنابراین، این مرحله قسمی از عوام را دربرمی گیرد.

## حکم قسم سوم از عامی

اما اگر عامی جلوتر بیاید و مانند کسی که درس خارج شرکت نموده و می‌تواند تحلیل کند و از روایات برداشت داشته باشد، در اینجا شاید بتوان گفت که عقل احتمال میانه را ترجیح می‌دهد.